

آنان که میخواهند رئیس جمهور شوند!!!

میگویند چهل و چند نفری اند که میخواهند در ویرانه سرائی رئیس جمهور شوند. هر کدام از این چهل و چند نفر سنگ وطن دوستی و مردم پروری به سینه میزنند و فکر میکنند عقل کل هستند و واجد شرایط رئیس جمهور شدن. هر کدام به زعم خود میخواهد کشتی شکسته و ویرانکده بنام افغانستان را به سر منزل مقصود رهنمون گردد. چه فرقی میکند اگر در گذشته ها خون هموطن در جام کرده و مستانه سرکشیده است؟ امروز میخواهد خدمت کند. چه تفاوتی خواهد داشت اگر دیروز همه چیز را سرخ و خونین می دید و امروز سبز و سنگین می بیند. چه فرقی خواهد کرد اگر دیروز خاک کشور را به توبره کرد، امروز (از همان خاک جهان دگری) خواهد ساخت. آنکه دیروز سرخ بود، امروز سبز شده است و آن که دیروز سبز بود امروز سرخ و آبی و سفید است. فرقی ندارد همه رنگ های خدا اند، می خواهی سرخ باشی، می خواهی سیاه و یا سبز و یا هم اصلاً بی رنگ باشی. در هر حال و هر رنگ، می شود رئیس جمهور شد، فرقی ندارد دیروز جناب سرخ بود و از دیدن رنگ خون و ریختن خون هموطن لذت می برد، امروز دگر سرخ نیست، ولی هنوز هم از دیدن رنگ خون لذت می برد، چه فرقی میکند که این خونها را کی و یا کی ها میریزند و چرا می ریزند و تا چه وقت میریزند، دیدن رنگ سرخ خون بعضی ها را وسوسه میکند، این که کدام گناهی نیست!!! تا این زمان تعدادی از این جنابان که خواب ریاست جمهوری دیده اند، در پرده های تلویزیونها ظاهر گردیده و یا هم سایت های انترنتی برای شان ساخته اند و از آسمان و ریسمان گز می کنند و در یک لحظه افغانستان ویرانه را به گلزار پر رنگ و عطر بیزی مبدل میکنند و راه خود میگیرند و می روند. هیچ کسی نیست که از گذشته های سیاه و ننگین و خون آلود و متعفن جنابان یادی کند. بدون استثناً هر یک از جنابان فرموده اند که جهت رسیدن به امنیت سرتاسری، به یک اردوی ملی قوی و پولیس کارآموده و متخصص ضرورت است و.....، اما هیچ کدام از ضرورت تطبیق عدالت اجتماعی حرفی به میان نیاورده اند. چگونه امکان پذیر است که داد از امنیت بزنیم، در حالیکه از عدالت خبری نیست که نیست. تا زمانیکه عدالت اجتماعی در یک کشور مرعی الاجرا و قابل تطبیق نگردد، هرگز و هرگز از امنیت خبری نخواهد بود و همان آش خواهد بود و همان کاسه. چگونه امکان پذیر خواهد بود که با یک مشت جنایتکار و زیر دار گریختگی و دزد و رهن و قاچاقچی و جنگ سالار و ناقصین حقوق بشر، امنیت را تأمین کرد و دموکراسی را پیاده؟! این خواب است و خیال است و محال است و جنون و این راهی که میرویم به ترکستان است و هرگز به سر منزل مقصود نمی رسد و هرگز کشتی شکسته افغانستان را به ساحل مراد رهنمون نخواهد شد. همین دیروز بود که یکی از همین چهل و چند نفر کاندید که نام اش (حامد کرزی) بود در پرده تلویزیون خود در کابل ظاهر شد و طبق معمول شروع به لاف و پتاق کرد و مدعی شد که چند نفر از همین چهل و چند نفر هم تابعیت دوگانه دارند و پاسپورت های خارجی خود را در سفارت خانه ها با امانت گذاشته اند و..... این شخص جرئت آن نداشت که از آن افراد نام ببرد، مانند همیشه سردرگم صحبت کرد و راه خویش گرفت و رفت. او هرگز به این نه اندیشیده است که در بین همین چهل و چند نفر کاندید، تعدادی وجود دارند که در جنایت و خیانت و خباثت و در قتل و کشتار مردم مظلوم افغانستان دست درازی داشته و دستان شان تا مرفق بخون پاک هموطنان ما رنگین است. او خوب میداند که هر دو معاون او از جمله کثیف ترین جنایتکاران جنگی هستند. خدمت جناب باید عرض کرد که (آتش اندر کعبه زن، اما مردم آزاری مکن). این (حامد کرزی) پا از گلیم خود باز هم فراتر گذاشته و با دیده دارئی که خاصه وی است داد سخن داده میفرماید که ((..... در کشور های خارجی مردم خادمین کشور خویش را (Veteran) گفته قدر و عزت و احترام میکنند، اما در کشور ما آنها را به نام های جنگ سالار و قاچاقچی یاد کرده و توهین میکنند و.....)) یعنی (حامد کرزی) از مردم میخواهد تا به فهیم قسیم و محمد محقق و کریم خلیلی و رشید دوستم و رسول سیاف و امثال شان باید احترام داشته باشند و آنها را به عنوان بزرگان خود عزت و احترام نمایند و..... در غیر آن (این ملت هیچ وقت ملت نخواهد شد). قرار معلوم از این ترفند ها شعبده بازی ها و مدارای گری ها و چرند گوئی ها زیاد خواهیم شنیدو در هفت سال گذشته به این چرت و پرت گوئی ها مردم عادت کرده اند. از خیر (حامد کرزی) فعلاً میگذریم و به یکی دیگر از این چهل و چند نفر سری می زنیم که چی در چانته دارد. البته فعلاً به این کاری نداریم که این جناب سرخ بوده است و اکنون (سیاه) شده است، فقط نگاهی گذرا به گفتار جناب می اندازیم و میگذریم.

این کاندید سرخ (محبوب الله کوشانی) نام دارد و نامزد (حزب آزادگان افغانستان) در انتخابات ریاست جمهوری است. با اسم نا مسمی و حزب نا مسمی تر وی کاری نداریم، چه نام را والدین برای فرزند شان انتخاب نموده اند به امید

اینکه فرزند شان در زندگی خویش (محبوب الله) باشد ، غافل از آنکه فرزند ناخلف شان نه تنها دشمن الله میشود ، بلکه منفور خلق الله نیز و حزب هم که در شرایط امروزی کشور ویرانه و بی در و دروازه ما به اصطلاح عامیانه (یک پیسه ره بیست و پنج تا) است و هر سنگی را که بالا نمائی از زیر هر کدام چهل و چند حزب بیرون میشود. ما را با این کار ها کاری نیست ، صرف سری میزنیم به یک گفتگوی شان در برنامه ((روبرو: شهروندان و کاندیداهای انتخاباتی)) که در سایت گفتمان بنشر رسیده است :

وی گفت که دموکراسی و صلح در صدر منشور انتخاباتی اش قرار دارد.....

ما میگوئیم که جناب (محبوب الله کوشانی) در زمان اقتدار حزب منفور و منحل (دیموکراتیک خلق) حتی سایه دموکراسی را با گلوله میزد و صلح را به کمک مستقیم بیش از یکصد هزار عساکر مهاجم روسی در شکنجه گاه ها و دخمه ها و پلیگونها و شهر و روستا و دهکده ها و قرأ و قصبات و خیابان ها و چهار راه ها با وحشت تمام گلو میبرد و خون فرزندان افغان را در پای خوکان روسی قربان میکرد.....

او یک گام عقب نشینی از دموکراسی را خودکشی سیاسی دانسته و.... باید خدمت شان عرض کرد اینکه نه تنها جناب شما آقای (محبوب الله کوشانی) به زباله دان تاریخ سپرده شده اید ، بلکه حزب منفور و منحل تان نیز دیرگامیست که به زباله دان تاریخ سپرده شده است . شما به خودکشی سیاسی می اندیشید ، در حالیکه از نگاه سیاسی و نظامی و اجتماعی در پیشگاه مردم شریف افغانستان ، مرده تلقی میشوید و مردم صرف برای محاکمه شما دقیقه شماری میکنند. حزب منفور و منحل تان به هزار و یک پارچه کوچک تجزیه شده است و فرقی ندارد که جناب شما از کدام پارچه آن و تحت چه عنوانی وارد کارزار انتخاباتی شده اید، به گفته مشهور:

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت می شناسم

این جناب در گفتگوی مذکور چنان داد سخن داده است که از فهم این کمترین بسیار بالا است ، وی خواسته است گفتار و نظرات خویش و یا حزب خویش را در لابلای الفاظ بپیچاند و بخورد مردم دهد تا بر ماهیت اصلی وی پرده انداخته شود.

(محبوب الله کوشانی) میگوید : ((.....انکشاف اقتصادی انسان مدار و...، اهداف و نوسازی معارف و تحصیلات عالی ، پذیرش عرضه ی خدمات طبی مورد نیاز)) .

جناب (محبوب الله کوشانی) از یک انکشاف اقتصادی صحبت کرده اند که انسان مدار باشد ، آیا گفته میتوانند که منظور شان از انسان مدار چیست و انکشاف اقتصادی انسان مدار یعنی چه؟ و آیا انکشاف اقتصادی غیر انسان مدار یا نا انسان مدار هم وجود دارد یا خیر ؟ اگر دارد مقصد از آن چیست و فرق هردو در چه است ؟! اهداف و نوسازی معارف ، یعنی چه ؟! پذیرش عرضه ی خدمات طبی چه مفهومی را ارائه میکند ؟! آیا هدف شما از اظهار این جمله چنین است که در صورتیکه (خدای ناخواسته) رئیس جمهور شوید ، می پذیرید که خدمات طبی مورد نیاز را عرضه کنید و یا اینکه شما عرضه میکنید ، اگر مردم بپذیرند؟! هدف شما از این جمله بندی روشن نیست .

در قسمت دیگری از بیانات شان می فرمایند : ((..... تأمین صلح در جماعات مردمی)). اگر گفته شود تأمین صلح سراسری ، قابل فهم است ، اما (تأمین صلح در جماعات مردمی) یعنی چه ؟ آیا منظور جناب شان اجتماعات مردمی است ؟ گیریم که منظور شان جماعات مردمی باشد ، که از فهم این کمترین بالا است ، پس آیا گفته میتوانند که (جماعات) غیر مردمی هم وجود دارد یا خیر ؟ اگر دارد کدام مفهوم و معنی را ارائه میکند ؟!

تا چند چو صیدید گرفتار دد و دام
از دام برون آمده صیاد بگیری
ضحاک عدو را به چکش مغز توان کوفت
سرمشق گر از کاوه و حداد بگیری